آخر خط

آخرین جزئیات حادثه انفجار تانکر سوخت

وقوع یکی از حوادث تلخ ایران در جاده سنندج

ایسنا| انفجار یک دستگاه تانکر حامل سوخت در محور سنندج-همدان، باردیگر تصویری تلخ از پیامدهای حوادث جاده‌ای و خطرات حمل ونقل مواد سوختی در مسیرهای پرتردد را پیش روی افکار عمومی قرار داد؛ حادثه‌ای که در پی آن چندین خودرو گرفتار حریق شدند و یازده نفر جان خود را از دست دادند.

این حادثه حوالی ساعت ۱۷:۳۰ شنبه، ۱۴ شهریور، در محدوده پلیس راه سنندج-همدان رخ داد؛ جایی که یک دستگاه تانکر حامل سوخت پس از بروز نقص فنی از مسیر خود منحرف و دچار سانحه شد و در ادامه، انفجار و آتش‌سوزی گسترده‌ای را رقم زد. شدت حریق به حدی بود که چند خودرو عبوری نیز درگیر آتش شدند و برای دقایقی محور سنندج-همدان به یکی از بحرانی‌ترین نقاط جاده‌ای منطقه تبدیل شد. حضور هم‌زمان نیروهای آتش‌نشانی، اورژانس، پلیس و دیگر دستگاه‌های امدادی در محل، عملیات اطفای حریق، امدادرسانی و ایمن‌سازی محدوده را در پی داشت. این حادثه در حالی رخ داد که حوادث ناشی از حمل ونقل سوخت و مواد خطرناک، به دلیل احتمال سرایت سریع حریق و گرفتار شدن خودروهای عبوری، از جمله سوانحی محسوب می‌شوند که می‌توانند در مدت کوتاهی ابعاد گسترده‌ای پیدا کنند.

نقص فنی تانکر، علت حادثه

غریب سجادی، فرماندار سنندج، درباره این حادثه اظهار کرد: تانکر به دلیل نقص فنی دچار حادثه شد و با توجه به ماهیت محموله، پس از وقوع تصادف منفجر شد و در پی آن تعدادی از خودروهای عبوری نیز گرفتار حریق شدند. بر اساس پیگیری های انجام شده، حال عمومی مصدومان مطلوب گزارش شده و اقدامات درمانی برای آنان در حال انجام است. بررسی ابعاد مختلف حادثه و علت وقوع آن از سوی مراجع ذی ربط در دست انجام است و جزئیات تکمیلی پس از بررسی های لازم اعلام خواهد شد.

بابک هدایی، رئیس اورژانس و فوریت های پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، نیز در گفت‌وگو اظهار کرد: شش نفر در این حادثه مصدوم و پس از دریافت اقدامات اولیه و خدمات درمانی پیش بیمارستانی، برای ادامه درمان به بیمارستان کوثر سنندج منتقل شدند.

مرتضی کرمی، سرپرست سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری سنندج، نیز از اعزام چندین اکیپ عملیاتی به محل حادثه خبر داد و گفت: پس از اطلاع از حریق تانکر حامل مواد سوختی در محدوده پلیس راه سنندج-همدان، اکیپ های آتش نشانی از نقاط مختلف شهر به محل اعزام شدند. با توجه به ماهیت سوختی محموله، عملیات اطفای حریق با حساسیت ویژه انجام شد و نیروهای آتش نشانی تلاش کردند ضمن کنترل شعله ها، از گسترش آتش به خودروها و محدوده اطراف جلوگیری کنند. هم‌زمان با عملیات اطفای حریق، اقدامات لازم برای جلوگیری از وقوع حوادث ثانویه و ایمن سازی محل نیز در دستور کار قرار گرفت.

یک حادثه و چند خانواده داغ دار

انفجار تانکر حامل سوخت در محور سنندج-همدان، فراتر از یک سانحه رانندگی، حادثه‌ای با پیامدهای سنگین انسانی بود؛ حادثه‌ای که در فاصله‌ای کوتاه، خودروهای عبوری را گرفتار حریق کرد و یازده خانواده را در سوگ عزیزانشان نشاند. هرچند عملیات امدادی و اطفای حریق پایان یافته است و مصدومان برای ادامه درمان به بیمارستان منتقل شده‌اند، اما علت دقیق وقوع این سانحه، نحوه بروز نقص فنی تانکر، چگونگی سرایت حریق به خودروهای عبوری و ابعاد کامل خسارت ها همچنان نیازمند بررسی کارشناسی است. این حادثه بار دیگر ضرورت توجه جدی به ایمنی حمل ونقل مواد سوختی، وضعیت فنی ناوگان حامل مواد خطرناک و آمادگی دستگاه های مسئول در محورهای پرتردد را یادآور می شود؛ موضوعی که اهمیت آن زمانی بیشتر آشکار می شود که یک نقص فنی یا خطای کوچک می تواند در چند دقیقه به حادثه‌ای با تلفات گسترده تبدیل شود.

خبر روز

دستگیری ۲ خرده‌فروش پشت چراغ قرمز

جلائیان| توجه مأموران کلانتری کوی پلیس هنگام گشت‌زنی در محدوده بولوار فرودگاه، به یک دستگاه پراید جلب شد که در حاشیه خیابان به‌طرز مشکوکی پرسه می‌زد. مأموران ضمن استعلام وضعیت پلاک خودرو، همچنان به تعقیب نامحسوس پراید ادامه دادند تا اینکه متوجه شدند که خودرو برای لحظاتی در حاشیه خیابان توقف کرد و سرنشین آن با نشان دادن یک بسته به چند مرد جوان، پیشنهاد فروش چیزی شبیه مواد مخدر را به آن ها داد. مأموران بلافاصله رئیس کلانتری کوی پلیس را در جریان شناسایی دو متهم فروش مواد مخدر قرار دادند. سرهنگ عباس عطایی پس از بررسی گزارش مأمورانش، بلافاصله دستورات تخصصی تعقیب و دستگیری متهمان را صادر کرد.

در پی این دستور، مأموران به‌صورت نامحسوس به تعقیب خودرو ادامه دادند تا اینکه پراید در ترافیک یکی از تقاطع های پرترافیک پشت چراغ قرمز متوقف شد. مأموران از این فرصت استفاده و در یک عملیات ضربتی متهمان را دستگیر کردند.

راننده خودرو که مدرکی از مالکیت خودرو و گواهی‌نامه به همراه نداشت، پس از رویارویی با مأموران منکر هرگونه جرمی شد. انکارهای متهم ادامه داشت تا اینکه مأموران در بازرسی از متهمان مقادیری موادمخدر کشف و ضبط کردند. باکشف این مواد، مأموران این افراد را با هماهنگی مقام قضایی دستگیر و به مقر پلیس منتقل کردند.

پس از انتقال متهمان، آن ها منکر خرده‌فروشی موادمخدر و مدعی شدند که مواد کشف شده را برای مصرف شخصی خودشان تهیه کرده‌اند. اما در بررسی سوابق راننده مشخص شد که او پیش از این با اتهاماتی از جمله سرقت و حمل مواد دستگیر و راهی زندان شده است. پرونده این متهمان به دادسرا ارجاع شد و تحقیقات پلیس درباره کشف جرائم احتمالی آن ها و شناسایی همدستانشان ادامه دارد.

گفت‌وگو با اعضای باند سرقت منازل که از شهرهای دیگر برای دزدی به مشهد می‌آمدند

اگر مردم رادرک می‌کردیم، اموالشان رانمی‌دزدیدیم!

محمدجواد ابوعطا

گفت‌وگو

اعضای این باند سرقت سه نفر بودند. برخلاف سایر باندهای تبهکاری که معمولا یک سارق سابقه‌دار سال دار دیگر دزدها را هدایت می‌کند، رئیس این باند بیست و یک ساله بود و زیردست هایش بیست و هشت ساله و سی و سه ساله. آن ها دو هفته قبل با دستور سردار احمدنگهبان، فرمانده انتظامی خراسان رضوی، از سوی افسران اداره سرقت منزل پلیس آگاهی مشهد با هدایت سرهنگ حسن رحیم پور، رئیس این اداره، دستگیر شدند. ماجرای سرقت های این باند ریشه در سال گذشته دارد. کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد سال گذشته اعضای باند سرقت از منازل مشهد را دستگیر کردند، اما سرکرده این باند متواری شد. بررسی های همان زمان نشان داد که این افراد از استان های غربی برای سرقت به مشهد آمده اند و سرکرده باند نیز پس از اطلاع از دستگیری همدستانش متواری شده است. پیگیری ها برای شناسایی مخفیگاه این فرد ادامه داشت تا اینکه پلیس به اطلاعات جدیدی دست یافت که نشان می داد متهم تحت تعقیب با اجیرکردن دو سارق دیگر دوباره به مشهد آمده است و اقدام به سرقت طلاهای شهروندان از منازلشان می کند. افسران اداره سرقت منزل پلیس آگاهی مشهد این بار توانستند جلوی فرار اعضای این باند را بگیرند و آن ها را دستگیر کنند. در حاشیه دستگیری این سه متهم، به سراغشان رفتیم تا کم و کیف این پرونده را از زبان خودشان بشنویم که ماحصل این گفت وگو را در ادامه می خوانید.

عکس: محسن بخشنده| شهرآرا

در شهر خودم دزدی نمی کردم

سرکرده این باند «رضا» نام دارد و بیست و یک ساله است؛ جوانی فربه و گوشتی با دندان های لمینت شده که هیچ اثری هم از نگرانی در چهره اش نیست. البته ممکن است نداند چه سرنوشتی در انتظارش است، یا اینکه با این برخوردها نداشته باشد. به هر حال او خودش به ظاهر مدعی است که اشتباه کرده است و توبه خواهد کرد، اما حالت چهره و حرکاتش، حکایت دیگری دارد.

از کی دزد شدی؟

از پارسال برج ده ویازده شروع کردم.

شغلت چه بوده است؟

کشاورز بودم.

پس چرا دزد شدی؟

همه چیز گران شده بود و از پس خرج زندگی برنمی آمدم.

سابقه هم داری؟

یک بار دیگر هم پارسال برای دزدی به مشهد آمدم.

دفعه قبلی چقدر سرقت کردی؟

دفعه قبلی یک دور آمدم و حدود ۲۰ سرقت انجام دادم.

آن زمان از سرقت ها چقدر پول دستت را گرفت؟

حدود دو سه میلیارد تومان.

با پولش چه کردی؟

خرج خودم کردم، ماشین خریدم و....

خانواده‌ات خبر دارند که چه می‌کنی؟

نه، نمی دانند.

چقدر درس خوانده‌ای؟

تا زیر دیپلم.

چرا مشهد را انتخاب کردی؟

چون شهر بزرگی است و سخت تر می شود ما را ردزنی کرد.

در غرب کشور یا شهرخودتان هم دزدی می کردید؟

نه، اصلا.

پارسال چطور فرار کردی؟

پارسال یک دور با رفقایم آمدم؛ وقتی برگشتم، فهمیدم دوستانم راگرفته اند. چون فهمیدم همدستانم مرا لو داده اند، یک سال مخفی شدم.

چرا دوباره برای سرقت آمدی؟

از پس خرج های زندگی ام برنمی آمدم.

خیلی ها هستند که از پس خرج زندگی شان بر نمی آیند؛ باید دزدی کنند؟

اشتباه کردم.

اگر یک نفر از خانه خودت دزدی کند، چه انتظاری از پلیس داری؟

انتظار دارم پلیس بگیردش. من اشتباه کردم.

اگر الان آزاد بشوی، چه می کنی؟

می روم و مغازه می زنم.

تو با ۳ میلیارد پول دزدی هیچ کسب و کاری راه نینداختی، چطور قصد داری بعد از آزادی با بی پولی مغازه بزنی؟

نمی دانم.

همدستان جدیدت را چطور راضی کردی با تو برای سرقت به مشهد بیایند؟

ما رفیق و بچه محل هستیم. این ها هم مشکل مالی شدید داشتند.

همه سارقان بعد از دستگیری می گویند که پول دزدی برکت ندارد، اما چرا از دزدی دست نمی کشید؟

بله، واقعا برکت ندارد. الان هم چیزی ندارم و برگردم، توبه می کنم.

چرا پارسال که با ۳ میلیارد تومان فرار کردی و دستگیر نشدی، توبه نکردی؟

نادانی کردم.

بیشتر کدام خانه ها را برای سرقت انتخاب می کردید؟

خانه هایی که شب ها برق هایشان خاموش بود و زنگ می زدیم وکسی جواب نمی داد. یا خانه هایی که ورودشان راحت تر بود و حفاظ و دزدگیر نداشتند.

کدام خانه ها را برای سرقت انتخاب نمی کردید؟

آن هایی که دزدگیر داشتند، درِ آکاردئونی داشتند و ورود به آن ها سخت بود.

بیشتر کدام مناطق شهری را برای دزدی انتخاب می کردید؟

به مناطق کم برخوردار می رفتیم؛ چون ورود به خانه های این مناطق راحت تر است. ورود به خانه های مناطق برخوردار سخت است.

خانواده نمی پرسیدند این همه پول را یک دفعه از کجا می آوری؟

من ازدواج کرده ام، خانه خودم هستم. پنج روز به پنج روز به بهانه کار می آمدم مشهد.

همسرت نمی پرسید این چه کاری است که هر دفعه با یک میلیارد تومان پول برمی گردی؟

رو نمی‌کردم و نمی‌گفتم چقدر پول دارم.

مردم را درک نمی کردیم

متهم دوم این باند، «محمد» جوانی بیست و نه ساله است که خودش می‌گوید سابقه ندارد و فریب بچه محلشان را خورده و چند نوبت برای سرقت به مشهد آمده است. او سرافکنده از کارهایی که کرده است، می‌گوید که پشیمان است و ظاهر و گفتارش نیز یکسان است.

چطور شد به حرف رضا (سرکرده باند) گوش کردی؟

از سر ناچاری. گرفتار بودم.

خیلی ها مثل شما مشکل مالی دارند. آن ها چطور دزدی نمی کنند؟

در شهرستان ما اوضاع خوب نیست. کار نیست.

خب، چرا برای کار به مشهد نیامدی؟

اگر کار بود، کار می‌کردیم.

فکر می کردی که دستگیر شوی و به این روز بیفتی؟

نه، فکرش را نمی‌کردم. تا اینجانیایی و خودت را به جای مال باخته نگذاری، نمی فهمی چه می‌کشد. اگر مردم را درک می‌کردیم، هیچ وقت دزدی نمی‌کردیم.

در این مدت چند سرقت کرده‌اید؟

حدود سی سرقت کرده‌ایم.

چقدر دستتان را گرفت؟

نفری یک میلیارد تومان.

این تعداد سرقت را در چند وقت انجام دادید؟

چهاربار به مشهد آمدیم. هر دفعه چند سرقت انجام می دادیم و می رفتیم و زیاد نمی ماندیم.

دیگر سراغ کار حرام نمی روم

سومین متهم این باند «سبحان» سی و هشت ساله است. او مدعی است که کشاورز است و کم آورده است و برخلاف سرکرده باند که هیچ نشانی از کشاورزهای سخت‌کوش ندارد، چهره آفتاب سوخته اش نشان می دهد که شغل اصلی اش واقعا کشاورزی است. او که برخلاف دو همدستش، پدر است و پسربچه‌ای کوچک دارد، حالا همه هم و غمش پسرش است که اگر بفهمد پدرش دزدی کرده است، چه واکنشی نشان می دهد و از دلتنگی برای دیدن پسرش می‌گوید.

تو که سرد و گرم روزگار را چشیده‌ای، چرا با این ها همراه شدی؟

مشکلات مالی باعث می شود آدم اشتباه فکر کند.

شغلت چه بود؟

کشاورز هستم. پارسال ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون گندم کاشتم که خشک سالی بود و ۲۵۰ میلیون پول تراکتور و قرض آمد روی دوشم. بدهکارم و چکم برگشت خورده است؛ البته اشتباه کردم و این ها بهانه خوبی برای دزدی نیستند.

بچه هم داری؟

بله، یک پسر دارم و بیست روز است که ندیده امش.

خانواده خبر دارند که دستگیر شده‌ای؟

نمی دانند؛ فکر می‌کنند برای کار به مشهد آمده‌ام.

هر پدری الگوی پسرش است. حالا چطور می‌خواهی به پسرت بگویی دزدی کرده‌ای؟

اصلا متوجه این چیزها نبودم و فکرم درگیر مشکلات مالی بود. حالا می فهمم چه‌کار بدی کرده‌ام. الان هم اگر آزاد شوم، تا عمر دارم دست فروشی می‌کنم، ولی سراغ کار حرام نمی روم.
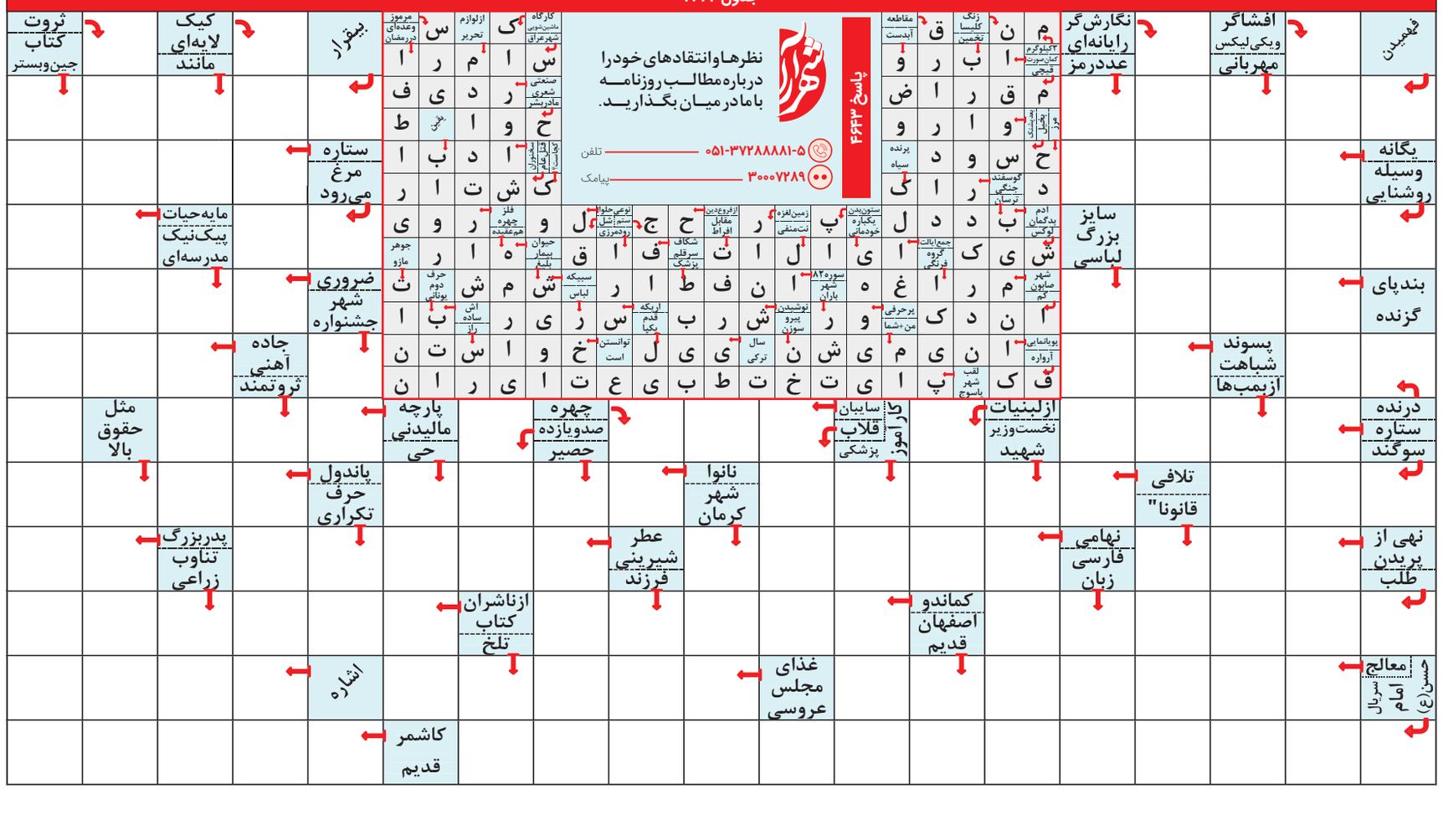
جدول ۴۶۴۴